

سیاست گذاری فرهنگی مطلوب مسجد در جمهوری اسلامی ایران؛ بررسی دیدگاه‌های خبرگان و سیاست‌گذاران

ناصر باهنر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۰

میثم فرخی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۱/۰۸

چکیده

مقاله مذکور در پاسخ به این سؤال که الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه خبرگان و سیاست‌گذاران این حوزه چیست، نگاشته شده است؛ در این راستا تلاش شده تا با بهره‌گیری از تجربیات و دیدگاه‌های خبرگان- مسئولان و صاحب‌نظران در حیطه مسجد- جایگاه و نقش حکومت پیرامون حوزه مسجد در جمهوری اسلامی ایران احصا شود. در همین راستا محقق با استفاده از روش تحلیل مضمون طی ۳۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان مذکور در سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌ساز به مختصات سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. نتایج پژوهش نیز به شبکه مضامین مستخرج از دیدگاه خبرگان شامل «دیدگاه نظری دخالت حکومت در حوزه مسجد»، «رویکردهای دخالت حکومت در حوزه مسجد» و «حکومت و سازمان‌های فرهنگی مرتبط با حوزه مسجد» می‌پردازد. بر اساس یافته‌های پژوهش بر مبنای «دیدگاه نظری دخالت حکومت در حوزه مسجد» پیشنهاد می‌شود که سیاست‌گذاری و خطوط کلی مساجد ذیل یک سازمان، نهاد یا شورای سیاست‌گذاری به نام مسجد ذیل ولی‌فقیه و رهبری صورت پذیرد که بر این اساس وظایف و نقش‌های متنوع و متعدد دستگاه‌های فرهنگی مذکور - مرتبط با مساجد- مشخص شود. همچنین در همین راستا نیز اداره و برنامه‌ریزی مساجد در سطح اجرایی و عملیاتی به صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام شود. در مورد «رویکردهای دخالت حکومت در حوزه مسجد» نتایج پژوهش حاکی از آن است که حکومت می‌بایست ترکیبی از رویکردهای حمایتی، ضمانتی، نظارتی و اقتضایی را مد نظر خود قرار دهد و بر اساس هر یک از رویکردهای مذکور اقداماتی را در عرصه مساجد انجام دهد.

واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری عمومی، سیاست‌گذاری فرهنگی، مسجد، جمهوری اسلامی ایران، تحلیل مضمون

nbahonar@gmail.com

دانشیار رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

mfarokhi65@gmail.com

دانشجوی دکتری رشته فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

مقدمه

مسجد، از زمان ظهور اسلام به عنوان نماد این شریعت آسمانی مطرح شده است. علت نام‌گذاری آن بدین جهت بوده که «در فرهنگ دینی نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد یعنی جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست. در حقیقت برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است» (ضرابی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۰). این نهاد فرهنگی و ارتباطی از فعال‌ترین نهادهای دینی در اسلام محسوب می‌شده که «به‌عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به‌عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل نموده و نه تنها در بعد تزکیه معنوی، بلکه به‌عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است» (Mowlana, 1996, p. 148).

از طرف دیگر یکی از واقعیت‌ها که فرهنگ و نهادهای فرهنگی (مانند مساجد) را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد قدرت سیاسی یا حکومت است؛ هرچند عوامل چندی چون رفاه مادی، عدالت اجتماعی، دین و مذهب، شرایط تاریخی و ... در رشد و تعالی هر جامعه یا رکود و واپس ماندگی آن نقش دارد. به عبارت دیگر «امروزه گذشته از حرکت طبیعی و خودجوش موجود در حیات فرهنگی بخش وسیعی از تلاش‌ها و فعالیت‌های فرهنگی بر اساس برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های حکومت و بازوی اجرایی آن «دولت» صورت می‌گیرد» (وحید، ۱۳۸۲، ص ۱۵۲). «دولت‌ها هم به‌لحاظ تبلیغ آرمان‌ها و هدف‌های ایدئولوژی رسمی و هم به‌لحاظ ضرورت دست یافتن به هدف‌ها و مقاصد سیاسی خویش و هم بنا به کارکردهای جدیدی که پیدا کرده‌اند و انتظاراتی که در دوران حاضر به وجود آورده‌اند، برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل و نظارت بر فعالیت‌های فرهنگی را بر عهده می‌گیرند و در این جهت نقش و مسئولیتی آگاهانه می‌پذیرند و در مجموع تأثیر چشمگیر ایجاد می‌کنند» (همایون و فروزان، ۱۳۸۸، ص ۶۴).

در این راستا -در حوزه مسجد به‌صورت عام- تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که عمده پژوهش‌ها به موضوعاتی از جمله معماری، تعمیر و مرمت مساجد، مسجد در نگاه آیات و روایات، جاذبه‌های مسجد، مسجد و جذب

جوانان و نوجوانان، کارکردهای مسجد، تاریخ بناهای مساجد پرداخته‌اند؛ اما در موضوع پژوهش مذکور با توجه به بررسی‌های صورت گرفته توسط محقق^۵ علی‌رغم تعدد تحقیقات در حوزه مسجد- پیشینه جدی در حیطه سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد و یا رابطه حکومت و مسجد مشاهده نشد. حتی می‌توان عنوان نمود که پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی سایر پایگاه‌ها و مجراهای ارتباطات سنتی (نظیر هیئات، حسینیه، تکایا، نماز جمعه و...) نیز^۶ علی‌رغم پیگیری و بررسی پژوهشگر- سابقه و پیشینه‌ای قابل توجهی حاصل نگردید؛ اما با این وجود برخی پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش مذکور ارائه شده‌اند. فروزان و همایون (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان «وحدت مدیریت در حوزه فرهنگ؛ مطالعه موردی شورای عالی انقلاب فرهنگی» پس از بررسی مفهوم فرهنگ و وحدت مدیریت و مروری اجمالی بر نظام فرهنگی ایران و برخی کشورها، به معرفی شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌عنوان عالی‌ترین مرجع سیاست‌گذاری فرهنگی و قرارگاه اصلی فرماندهی فرهنگی کشور پرداخته‌اند و با انجام مصاحبه‌های عمیق و کیفی از نخبگان مدیریت فرهنگی کشور، آسیب‌های ناشی از عدم وحدت در حوزه فرهنگ از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی و الزامات رسیدن به این وحدت مدیریت را احصا نموده‌اند که طی پرسشنامه‌ای آسیب‌های عدم وحدت مدیریت و الزامات رسیدن به آن را همراه با طرح پیشنهادی جهت رسیدن به وحدت مدیریت در حوزه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی، به نقد و نظر صاحب‌نظران گذاشته‌اند. احمدی گرجی (۱۳۸۳) در پژوهشی با عنوان «تعیین چگونگی بررسی و آسیب‌شناسی دستگاه‌های فرهنگی» که برای شورای عالی انقلاب فرهنگی انجام داده است سازمان‌های فرهنگی را به‌لحاظ «مخاطبان عام و خاص آنها» در دو دسته قرار می‌دهد و با افزودن سازمان‌هایی که بدون مأموریت فرهنگی به امور فرهنگی اشتغال دارند نهایتاً دسته‌بندی سه‌گانه‌ای را ارائه می‌دهد. صالحی امیری (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی با عنوان «مبانی سیاست‌گذاری و برنامه ریزی فرهنگی» که پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام منتشر نموده با لحاظ فرایند سیاست‌گذاری، سازمان‌ها را

متناسب با سه مرحله اصلی از این فرایند یعنی سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت در سه دسته سازمان‌های سیاست‌گذار، سازمان‌های مجری و سازمان‌های ناظر قرار می‌دهد.

با توجه به مطالب فوق در این مقاله محقق در پاسخ به این سؤال که الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه خبرگان و سیاست‌گذاران این حوزه چیست؟ تلاش نموده با توجه به رویکرد سیاست‌گذاری فرهنگی، ابتدا با طیف وسیعی از خبرگان که همگی از مسئولان و صاحب‌نظران در حوزه مسجد (شامل اساتید دانشگاه، روسا و مدیران اجرایی سازمان‌های مرتبط با حوزه مسجد) بودند به مصاحبه پردازد و دیدگاه آن‌ها نسبت به جایگاه و نقش حکومت در حوزه مسجد را احصا نماید و در ادامه داده‌های حاصل از مصاحبه‌های انجام‌شده را با بهره‌گیری از سازوکار تحلیل مضمون در سه مرحله شامل کدگذاری توصیفی^۱، کدگذاری تفسیری^۲ و کدگذاری یکپارچه^۳ ساز مورد تحلیل قرار دهد.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. سیاست‌گذاری عمومی

تعاریف متعدد از سیاست‌گذاری عمومی^۴ ارائه شده است. پیر مولر^۵ آن را دولت در عمل تعریف می‌کند (مولر، ۱۳۷۸، ص ۱۳). بر اساس تعریف «فیلیپ برود» استاد علوم سیاسی دانشگاه سوربن «سیاست‌گذاری‌های عمومی، تجلی اراده حکومت در عمل (یا خودداری از عمل) است و آن‌ها را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌هایی ساختاری و مرتبط متشکل از مقاصد، تصمیمات و اعمال در نظر گرفت که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند» (Braud, 1998 به نقل از وحید، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶)؛ یا از منظر الوانی «سیاست عمومی نیز عبارت است از تصمیمات و سیاست‌هایی که به واسطه مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضاییه، که حافظان منافع عمومی در جامعه می‌باشند، اتخاذ می‌گردد. دولت در مفهوم کلی آن، نهاد قانونی برای خط‌مشی‌گذاری عمومی است و به صور مختلف مانند وضع قوانین، ضابطه‌ها و مقررات به تعیین خط‌مشی عمومی می‌پردازد» (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۳).

آنچه به عنوان برآیند تعاریف مطروحه، تلقی می‌شود اینکه سیاست‌گذاری یا به عبارتی دقیق‌تر سیاست‌گذاری عمومی، مجموعه‌ای از کنش‌ها و فعالیت‌های دولت در پاسخ به مسایل اجتماعی است. مسایل اجتماعی نیز در این تعریف، دایره‌ای از موقعیت‌های عمومی هستند که در وضعیت موجود، قابل قبول نبوده و برای حل شدن نیازمند مداخله می‌باشند. مواردی همچون تخریب محیط زیست، امنیت محیط کار، دستیابی به بهداشت و خدمات بهداشتی، حفظ حقوق شهروندان، تأمین امنیت عمومی و مواردی از این دست در این دایره جای می‌گیرند. اصطلاح سیاست‌گذاری عمومی در مقابل سیاست‌های شخصی و غیرعمومی قرار می‌گیرد که به فعالیت‌های افراد یا گروه‌ها در راستای مسایل شخصی بازمی‌گردد (ملک محمدی، ۱۳۸۵، صص ۱۷۷-۱۷۶).

۲-۱. سیاست‌گذاری فرهنگی

از آنجاکه هیچ وفاقی درباره مفهوم بی‌حدوحصر «فرهنگ»^۶ وجود ندارد، بنابراین تعریف دقیق سیاست‌گذاری فرهنگی^۷ نمی‌تواند بدون توجه به تعریف فرهنگ صورت گیرد. پس سیاست‌گذاری فرهنگی با تعریف فرهنگ و شناسایی حدود و ثغور آن شکل می‌گیرد به طوی که با تعریف فرهنگ، دامنه و گستردگی سیاست‌ها مشخص می‌شود. در این زمینه اشتریان معتقد است که «تعریف ما از فرهنگ - هر چه باشد - تأثیری در فرآیند سیاست‌گذاری ندارد؛ اما آن جا که باید دامنه سیاست‌ها و حوزه عمل دولت و نهادهای عمومی (مثلاً سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران) مشخص شود، قطعاً مشخص شدن تعریف سیاست‌گذاران از فرهنگ ضرورت می‌یابد. این تعریف از سویی اهداف و مقاصد فرهنگی و از سوی دیگر حوزه عمل، ویژگی‌های مدیران و مدیریت فرهنگی و حتی برنامه‌ریزی‌ها را جهت می‌دهد» (اشتریان، ۱۳۹۱، صص ۲۹-۳۰).

در مجموع می‌توان گفت سیاست‌گذاری فرهنگی شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به این اعتبار، منظومه‌ای سامان‌یافته از اهداف نهایی درازمدت و میان‌مدت قابل سنجش و نیز ابزارهای وصول به آن اهداف را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر سیاست‌گذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان و متصدیان امور در تشخیص، تعیین و تدوین

مهم‌ترین اصول و اولویت‌های لازم و ضروری در فعالیت فرهنگی است و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود (وحید، ۱۳۸۲، ص ۵۵ و اصول سیاست فرهنگی ج.۱، ۱۳۷۱، ص ۲).

۳-۱. دیدگاه‌های نظری دربارهٔ سیاست‌پذیری یا سیاست‌ناپذیری فرهنگ

این دیدگاه‌ها و گفتمان‌ها که متأثر از تحولات دوران جدید می‌باشند، دارای زیرشاخه‌های متعددی هستند. مهم‌ترین دیدگاه‌ها و گفتمان‌های این دوران، گفتمان‌های دولتی، بازار و ارتباطی هستند که در ادامه به هر یک از این گفتمان‌ها به اختصار پرداخته می‌شود.

۱-۳-۱. دیدگاه دولتی^۸

پیشرفت‌های فرهنگی قرن بیستم همانند ظهور چشمگیر فرهنگ توده‌ای، از نزدیک با دولت پیوند دارد. این امر به این شکل رخ داد که دولت‌ها با وارد شدن به حوزه فرهنگ و ایجاد نهادها و سازمان‌های عمومی، فرهنگ را از یک جنبهٔ نخبه‌گرا به یک جنبهٔ عمومی تبدیل کردند. در شرایط فوق، گفتمانی در اشکال مختلف، حول این ایده شکل گرفت که دولت-ملت باید کل جامعه را اداره، اقتصاد را تنظیم و افراد مناسب پرورش دهد. ایده‌ای که تا همین اواخر رایج بود؛ بنابراین گفتمان مذکور هرگز منحصرأ یک توهم سوسیالیستی یا کمونیستی نبود، اندیشهٔ فوق حتی به نحو گسترده‌ای در درون سرمایه‌داری به مثابه ابزاری که بتواند بحران‌های جاری نیمه قرن بیستم را برطرف نماید پذیرفته شده بود. اقتصاددانان کینزی و فوردگرا دخالت دولت در زمینهٔ امور جامعه سرمایه‌داری را مشروعیت و توجیه نمودند. باید در نظر داشت که سیاست فرهنگی مذکور باید در سیر باز مهندسی روح جامعه عمل کند و این سیاست فرهنگی به صورت فرض عمومی و مشترک تمام دولت‌ها چه تمامیت طلب و اقتدارگرا، به عمل دولت‌های لیبرال و سوسیالیست تبدیل شده است (گویگان، ۱۳۸۸، ص ۹۶).

۱-۳-۲. دیدگاه بازار محور

بازار محور^۹ که متأثر از اقتصاد سرمایه‌داری است با انتقاد از کنترل دولت و یارانه‌ای شدن حوزه‌ی فرهنگ، اصول بازار را تعیین‌کننده‌ی نوع کالا و خدمات فرهنگی می‌داند. آنچه که امروز، برنارد میژ^{۱۰} «سرمایه‌داری کردن تولید فرهنگی»^{۱۱} می‌گوید متأثر از این دیدگاه است که مورد استقبال شرکت‌های رسانه‌ای و فرهنگی قرار گرفته است. در این دیدگاه دولت نقش متفاوتی دارد که تد گیلبر^{۱۲} و دیوید آبرن^{۱۳} آن را این‌گونه بیان می‌دارند:

۱. رقابت بین ارائه‌دهندگان خدمات؛ ۲. توانمندسازی شهروندان؛ ۳. تمرکز بر درون دادها و برونداها؛ ۴. تمرکز بر اهداف سازمانی نه بر قوانین؛ ۵. تمرکز بر انتخاب مصرف‌کننده؛ ۶. پیشگیری از مسائل قبل از بروز؛ ۷. کسب پول؛ ۸. تمرکززدایی از اقتدار و مدیریت مشارکتی؛ ۹. تمرکز بر سازوکارهای بازار و ۱۰. تسریع فعالیت‌های همه بخش‌های عمومی، خصوصی.

۱-۳-۳. دیدگاه ارتباطی

رویکرد ارتباطی^{۱۴} بر دو آرمان جامعه مدنی و حوزه عمومی بنا شده است. حوزه عمومی به شرایط مباحثه و نمایندگی اشاره دارد و جامعه مدنی در مقابل مفهوم دولت اما غیرقابل تقلیل به بازار است و چیزی بین این دو است. این گفتمان که متأثر از هابرماس است با انتقاد از دو رویکرد گفتمان بازار و دولت، فرهنگ را در این گفتمان‌ها ابزار می‌دانند که یا برای شاخ و برگ دادن به سیستم دولت ملت است و یا این که ارزش‌ها را با ارزش مبادله از طریق اعمال اصول بازار بر همه چیز اقتصاد فرهنگ تقلیل داده است. این رویکرد با ارائه اصل حوزه عمومی که بر اساس عقلانیت ارتباطی است با ارائه سه اصل حقیقت (اجماع بر ماهیت عینی جهان)، توافق بین ال‌ذهانی (اشتراک در انجام امری که لازم‌الاجراست) و صمیمیت (احترام متقابل به نظرات یکدیگر) معتقد است که می‌توان امر فرهنگی را با فراهم آوردن فضا و شرایط آن به عموم مردم بازگرداند (گویگان، ۱۳۸۸، صص ۱۲۶-۱۳۳).

با تشریح دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه سیاست پذیری یا سیاست ناپذیری فرهنگ می‌توان دیدگاه‌ها و یا رویکردهای مختلف مذکور را به شکل زیر صورت‌بندی نمود:

جدول ۱. دیدگاه‌های مطرح در حوزه سیاست پذیری یا سیاست ناپذیری فرهنگ

شاخص‌ها دیدگاه‌ها	تعریف فرهنگ	بازیگر اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی	حیطه دخالت بازیگر اصلی در سیاست‌گذاری فرهنگی
دیدگاه دولتی	تعریف کلان از فرهنگ	دولت	دولت برای ایجاد نظم و یا رضایت در مردم و یا در راستای اهداف ایدئولوژیکی خود از ابزار فرهنگ استفاده می‌کند.
دیدگاه بازار	تعریف خرد از فرهنگ	بازار	بازار به‌عنوان بستری است که با تعریف قواعد و رویه‌ها، ارزش‌های فرهنگی را مشخص می‌کند. دولت در این نگاه خود نیز به‌عنوان بازیگری هم سطح با بازیگران دیگر در بازار تعریف می‌شود.
دیدگاه ارتباطی	تعریف کلان از فرهنگ	حوزه عمومی	در این دیدگاه این مردم هستند که با تشکیل فضاهای عمومی به تبادل نظر و ایده باهم می‌پردازند و نوع سیاست فرهنگی و نیز ارزش‌ها را مشخص می‌کنند. در این دیدگاه دولت تنها به‌عنوان بازیگر هم سطح حوزه عمومی است که می‌تواند صرفاً دیدگاه خود را مطرح کند.

۴-۱. رویکردها و سطوح دخالت دولت در حوزه فرهنگ

۴-۱-۱. رویکردهای مرتبط با دخالت دولت در حوزه فرهنگ

رویکرد دولت‌ها^{۱۵} به سیاست‌گذاری و دخالت در عرصه فرهنگ با یکدیگر متفاوت می‌باشد و حتی ممکن است یک دولت در آن واحد رویکردهای مختلفی نسبت به امور مختلف فرهنگی اتخاذ نماید. در ذیل برخی رویکردهای دخالت دولت در حوزه فرهنگ مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱-۴-۱. رویکرد خادمانه

در رویکرد خادمانه^{۱۶} و طرز تلقی همان‌طور که از نام آن پیداست دولت خادم فرهنگ است. به تعبیری دیگر می‌توان از آن تحت عنوان رویکرد وفادارانه نیز نام برد؛ زیرا در چنین برداشتی دولت وظیفه دارد در راستای اجرای کامل اهداف فرهنگی مطابق جزئیاتی که تعیین شده است بکوشد. در این رویکرد حکومت در کلیه امور فرهنگی وارد و نقش تأمین مالی و تصدی‌گری را در حد امکان و وسع خود بر عهده می‌گیرد. به بیان دیگر این دیدگاه قائل به تصدی تمام‌عیار دولت نسبت به فرهنگ دینی است. بر اساس این رویکرد دولت باید با اقتدار خود بتواند نسبت به مسائل دینی تصمیم‌گیری نموده و خود در تولیدات فرهنگ دینی نقش ممتاز و اصلی را ایفا نماید. این نگاه ریشه در اندیشه‌ها و تفکرات مارکسیستی دارد که قائل به نظریه دولت‌های تمامیت‌خواه^{۱۷} انجام شده است؛ یعنی دولت‌هایی که وظیفه خود را تصدی تمام‌عیار در همه بخش‌های جامعه از جمله بخش‌های دینی آن تعریف می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که هیچ حرکت یا تصمیمی خارج از حیطه حاکمیت به انجام رسد. به همین دلیل دولت در این دیدگاه دولتی است متمرکز و حداکثری که در همه امور به صورت مستقیم تصدی‌گری نموده و به این ترتیب حاکمیت خود را اعمال می‌نماید (پیروزمند، ۱۳۸۹، صص ۷۷-۷۵).

۱-۴-۲. رویکرد بازدارنده

در رویکرد بازدارنده^{۱۸} وضعیتی را می‌توان متصور شد که ماهیت و عملکرد دولت و حکومت در ارتباط با فرهنگ منجر به کندی و یا توقف این‌گونه امور در سطح جامعه می‌شود. اگرچه این طرز تلقی عمدتاً در نظام‌های لائیک که از نوعی رویکرد مبتنی بر تعارض در امور فرهنگی^{۱۹} پیروی می‌کنند مشاهده می‌شود، اما در مقام عمل در یک دولت فرهنگی نیز می‌توان وضعیتی را متصور شد که در آن مجموعه سیاست‌گذاری و اقدامات در بخش حاکمیتی و تصدی‌گری منجر به افول فرهنگی در سطح جامعه، تضعیف نهادهای فرهنگی و عقیم ماندن اقدامات خودجوش مردمی در این زمینه‌ها می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۴، صص ۷۰-۷۳).

۱-۴-۳. رویکرد اقتضایی

در رویکرد اقتضایی^{۲۰} میزان دخالت و ورود دولت در امور فرهنگی بستگی به شرایط دارد. در چنین رویکردی ایده اصلی آن است که نمی‌توان و نباید دخالت حکومت و دولت را در تمام امور فرهنگی متصور شد زیرا نه ضرورت این کار وجود دارد و نه امکان آن. دخالت تمام‌عیار دولت در امور فرهنگی^{۲۱} بدان سان که در رویکرد خادمانه اشاره شد- در برخی شرایط ضرورت ندارد و در پاره‌ای دیگر از موارد مضرات آن بیش از فواید آن است؛ بنابراین باید از نگرش سیاه و سفید نسبت به موضوع اجتناب کرد و در عوض به صورت اقتضایی با آن برخورد نمود. در رویکرد اقتضایی یا موقعیتی اگرچه هنوز دولت در خدمت فرهنگ است ولی تنها در اموری دخالت می‌کند که به دلایل متعدد بالا تصدی مانده است (مختاریان‌پور، ۱۳۹۱، صص ۱۱۱-۱۱۲).

۱-۴-۴. رویکرد نظارتی

در رویکرد نظارتی^{۲۱} باید نقش دولت در حد ناظر سیاست‌گذار تقلیل یابد؛ چرا که در غیر این صورت دولت مخل آزادی‌های فردی مردم بوده و خود نیز قدرت و توان اداره کشور و از جمله حوزه (دین) فرهنگ دینی را نخواهد داشت. اگر دولت بخواهد به‌عنوان یک گروه در مقابل سایر گروه‌ها خود بازیگر صحنه‌های تولیدات فرهنگ دینی باشد طبیعتاً علاوه بر این که به وظیفه سیاست‌گذاری به خوبی نخواهد پرداخت به دلیل اتکا به قدرت‌های مالی و انسانی غیرقابل رقابت، توان عرض اندام بخش خصوصی را سلبی می‌نماید (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۲۰۳).

به‌عبارت‌دیگر دولت می‌تواند با طراحی سیاست فرهنگی وظیفه خود را تا سطح نظارت بر عملکرد نهادها و نیروهای اجتماعی تقلیل دهد. در واقع دولت خود را از سطح کارگزاری تا سطح ناظر پایین می‌آورد و درحالی‌که نهادها و سازمان‌های مدنی و گروه‌های فرهنگی- اجتماعی، متولی پیشبرد سیاست فرهنگی اعلام‌شده هستند، دولت وظیفه نظارت بر حسن اجرای سیاست فرهنگی و سیاست‌گذاری‌ها را بر عهده دارد. در واقع دولت چارچوب مطلوب فرهنگی را ترسیم می‌کند و اجرای آن را به نهادهای مدنی و سازمان‌های عمومی فرهنگی واگذار می‌کند. دولت از موضع ناظر نحوه عمل

عاملان و کارگزاران سیاست فرهنگی را تحت نظر می‌گیرد و خود را متولی اعلام تطبیق یا عدم تطبیق سیاست‌گذاری‌ها با سیاست فرهنگی اعلام‌شده و میزان موفقیت سیاست‌گذاران می‌داند. دولت یک سیاست‌گذار فرهنگ است و نه مدیر فرهنگی. در اینجا با قسمی از خودگردانی مواجه هستیم که به‌طور مثال تشکل‌های مدنی و مردم‌نهاد، متولی پیشبرد سیاست فرهنگی هستند (صدیقی سروستانی و زائری، ۱۳۸۸، صص ۴۸-۴۷).

طبیعتاً در مقابل نگرش اول که تحت تأثیر تفکر دولت اقتدارگرا به ترسیم وظایف دولت در قبال فرهنگ دینی می‌پردازد گرایش اخیر تحت تأثیر تفکر دولت لیبرال قائل به تعیین وظایف دولت در قبال فرهنگ دینی است.

۱-۴-۱-۵. رویکرد حمایتی

سومین رویکرد در ارتباط با حدود دخالت دولت در امور فرهنگی رویکرد حمایتی^{۲۲} است که در آن دولت تنها وظیفه پشتیبانی و حمایت از امور فرهنگی را بر عهده می‌گیرد؛ بنابراین دخالت در این امور به معنای انجام و مدیریت فعالیت‌های آن در این رویکرد کاملاً منتفی است. در این رویکرد ایده اصلی آن است که نهادهای فرهنگی دارای هویت دینی مستقل^{۲۳} هستند و اقدامات دولت نباید به‌گونه‌ای باشد که این هویت خدشه‌دار شود و به این دلیل ضروری است تا ساختار وظایف و مسئولیت‌های دولت در ارتباط با این امور کاملاً تعریف شده و با رعایت تمام حساسیت‌ها و مرزهای منطقی باشد.

در این رویکرد دولت عمدتاً به سیاست‌گذاری و اتخاذ خط‌مشی‌های ویژه برای اعمال رفتار حاکمیتی خود می‌پردازد که به‌موجب آن در راستای اعتلای ارزش‌های فرهنگی در جامعه، نهادهای فرهنگی از پشتیبانی و حمایت دولت در زمینه‌های مختلف برخوردار می‌گردند (مختاریان‌پور، ۱۳۹۱، صص ۱۱۲).

۱-۴-۱. رویکرد ضمانتی^{۲۴}

نهادهای دولتی از جمله نهادهای قانون‌گذاری و قضایی دارای نقش بسزایی در ایفای نقش ضمانت از فرهنگ هستند. قدرتی که حاکمیت دولت بر جامعه و فرهنگ اعمال می‌کند می‌تواند باعث پیشرفت یا در مقابل پسرفت جامعه گردد که بسته به نوع حکومت‌ها و آمال و اهداف آنان متفاوت است. نقش ضمانتی دولت را از چند بعد می‌توان نگریست:

در یک بعد بر اساس حقوقی که برای هر فرد انسانی تعیین شده دولت می‌تواند زمینه‌های بهره‌مندی از این حق را برای بهره‌بران از فرهنگ تضمین کند. از سوی دیگر دولت می‌تواند برای اینکه فرهنگ در دنیای صنعتی و صنعت زده کنونی مقهور و مسخر صنعت و تجارت نشود با اعمال اقداماتی و فراهم‌آوری وسایل و امکانات لازم جهت استفاده عموم از فرهنگ برای حفظ و ضمانت فرهنگ قدم‌های مؤثر و کارآمدی را بردارد و به عبارتی دیگر فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی را از گمراه شدن و به بیراهه رفتن محفوظ دارد.

همچنین با توجه به قدرت قانون‌گذاری دولت این وظیفه را می‌توان برای دولت متصور بود که دولت باید قوانینی را جهت حفظ و صیانت از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های هنری و فرهنگی و به عبارتی حقوق معنوی آثار و نیز مبدعان و آفرینندگان آن آثار وضع کند و از همه مهم‌تر قوانینی وضع کند که آزادی‌های فردی این افراد در آفرینش و ابداع تضمین شود. از جانی دیگر دولت با وضع قانون و نظارت بر اجرای آن به حفظ آثار گذشتگان و میراث کهن، می‌تواند به حفظ و تداوم فرهنگ کمک کند (غلام‌پور آهنگر، ۱۳۸۶، صص ۳۵۶-۳۵۵).

۱-۴-۲. رویکرد خشی

رویکرد خشی^{۲۵} وظیفه و تکلیف ویژه‌ای را برای دولت در زمینه این‌گونه امور متصور نمی‌شود و ایفاگر نقش اصلی در توسعه فرهنگی نهادهای فرهنگی مستقل مردمی می‌باشند. در این رویکرد حتی نقش نظارتی و سیاست‌گذاری دولت در امور فرهنگی بسیار کم رنگ و عمدتاً عقیم می‌شود. در بهترین حالت در رویکرد حاضر، حمایت و

پشتیبانی دولت از امور و نهادهای دینی به اندازه حمایت و پشتیبانی است که از سایر نهادهای مدنی و اجتماعی به عمل می‌آورد. در مقام عمل و نه الزاماً در منظر گفتار و نوشتار دولت در این رویکرد نسبت به امور فرهنگی کاملاً خنثی و عقیم است. از این رویکرد تحت عنوان دخالت حداقلی در امور فرهنگی نیز نام برده می‌شود. در اینجا باور بر این است که استقلال نهاد دولت از نهاد فرهنگی که الزاماً به معنای سکولاریسم مطلق نیست به رونق و ترویج دین‌داری در جامعه منجر می‌شود (مختاریان‌پور، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳).

جدول ۲. رویکردهای مرتبط با دخالت دولت در حوزه فرهنگ

حیطه و میزان دخالت دولت	محور و راهبرد اصلی	رویکرد دولت
دخالت حداکثری دولت در امور فرهنگی	دولت خادم فرهنگ	رویکرد خادمانه
عدم دخالت دولت در فرهنگ	استقلال و مجزا بودن نهاد فرهنگ از مجموعه حاکمیت	رویکرد بازدارنده
دخالت دولت در حوزه فرهنگ بر اساس شرایط و اقتضائات	دولت خادم فرهنگ اما بر اساس شرایط و اقتضائات خاص	رویکرد اقتضایی
دولت به مثابه ناظر در امر فرهنگ	دولت ناظر بر حسن اجرای سیاست فرهنگی و سیاست‌گذاری فرهنگی	رویکرد نظارتی
دولت به مثابه حامی و پشتیبان امور فرهنگی	پشتیبانی و حمایت دولت از امور فرهنگی	رویکرد حمایتی
دولت به مثابه حافظ و ضامن سیاست‌های فرهنگی	حفظ و ضمانت دولت از حق بهره‌مندی از فرهنگ و نیز صیانت از آفرینش‌ها و خلاقیت‌های هنری	رویکرد ضمانتی
دخالت حداقلی دولت در امور فرهنگی	استقلال نهاد دولت از حوزه فرهنگ و نیز نقش اصلی و پررنگ نهادهای فرهنگی مستقل مردمی در توسعه فرهنگی	رویکرد خنثی

۱-۴-۲. سطوح دخالت دولت در حوزه فرهنگ

سطوح ورود و دخالت دولت در حوزه فرهنگی^{۲۶} را می‌توان در قالب سه دسته ذیل طبقه‌بندی نمود

۱-۴-۲-۱. سطح سیاست‌گذاری

در سطح سیاست‌گذاری^{۲۷} دولت در فرایند سازمان‌دهی بخش‌های مختلف مرتبط با امور فرهنگی جامعه نسبت به اتخاذ سیاست‌ها و خط‌مشی‌های معین اقدام می‌نماید. در این سطح نقش دولت ناظر و سیاست‌گذار در عرصه‌های فرهنگی است بدون آنکه حمایت یا اقدام معینی را در این زمینه دنبال نماید. در نتیجه به میزانی از منابع اقتصادی نیاز است که تامین‌کننده ارائه این‌گونه خدمات باشد.

۱-۴-۲-۲. سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی

در سطح دوم دولت علاوه بر سیاست‌گذاری، نسبت به برنامه‌ریزی^{۲۸} و ارائه انواع پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری اقدام می‌کند. بسترسازی و برنامه‌ریزی دولت عمدتاً معطوف به ارائه حمایت‌های مختلف مادی و غیر آن در ارتباط با منابع مورد نیاز (انسانی، مالی و کالبدی) و یا پشتیبانی نرم‌افزاری (نظیر فراهم‌سازی طرح‌ها، برنامه‌ها و خدمات علمی-پژوهشی) می‌باشد؛ به عبارت روشن‌تر دولت از همه منابع و امکانات خود در راستای حمایت و اعتلای فرهنگ بهره می‌گیرد و نقش سرپرست را ایفا می‌نماید ولی مانع از آن نیست که بخش خصوصی نیز بخشی از امکانات و منابع مالی خود را به این‌گونه امور اختصاص دهد.

۱-۴-۲-۳. سطح اجرا

در سطح اجرا^{۲۹} دولت در امور فرهنگی وارد می‌شود و تصدی‌گری فعالیت‌ها را بر عهده می‌گیرد. در چنین حالتی دولت به‌عنوان سیاست‌گذار/ برنامه‌ریز/ مجری از طریق تأسیس و راه‌اندازی نهادهای فرهنگی ویژه و اعمال نوعی تمرکز در فعالیت‌ها خود شخصاً متولی امور می‌شود (حسینی، ۱۳۸۴، صص ۷۴-۷۳).

جدول زیر تناسب و ارتباط رویکردهای مختلف دولت فرهنگی را در ارتباط با میزان و سطح دخالت دولت در امور فرهنگی نشان می‌دهد

جدول ۳. سطوح دخالت دولت در حوزه فرهنگ

سطوح دخالت / رویکردها	سطح سیاست‌گذاری	سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی	سطح اجرا
رویکرد خادمانه	*	*	*
رویکرد بازدارنده	_____	_____	_____
رویکرد اقتضایی	*	*	_____
رویکرد نظارتی	*	*	*
رویکرد حمایتی	*	*	*
رویکرد ضمانتی	*	*	*
رویکرد خشتی	_____	_____	_____

با اقتباس از (حسینی، ۱۳۸۴، ص ۷۴).

۲. روش پژوهش

۱-۲. روش گردآوری داده‌های پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه از نوع نیمه ساختاریافته (نیمه‌ساخت یافته) استفاده شده است. مصاحبه کیفی نیمه ساخت یافته، شبه مکالمه نیمه ظهور یابنده است که در آن موضع، ذهنی است و از طریق تعامل کامل با مشارکت‌کننده به توصیف‌های عمیقی از موضوع تحقیق دست می‌یابد (محمدپور، ۱۳۸۹، ص ۱۵۲). در مصاحبه‌های نیمه ساخت یافته مصاحبه‌گر به سه طریق به اطلاعات ساختار می‌دهد:

انتخاب مضمون و عناوین

مرتب کردن سؤالات

نگارش سؤالات به زبان خود (Wendy & Jefferson, 2000, p. 31).

۲-۲. روش نمونه‌گیری

در این پژوهش بر اساس نمونه‌گیری هدفمند،^{۳۰} ۳۴ مصاحبه ترتیب داده شد و مصاحبه‌ها تا زمانی که داده‌های جدید، مضمون جدیدی شکل ندادند و داده‌ها حالت تکراری پیدا نکردند - و به تعبیر دیگر محقق به کفایت و اشباع نظری نائل شد - ادامه یافت.

۳۴ نفر مصاحبه‌شوندگان همگی از مسئولان و صاحب‌نظران در حوزه مسجد (شامل اساتید دانشگاه، روسا و مدیران اجرایی سازمان‌های مرتبط با حوزه مسجد) بودند. شایان ذکر است که یک مصاحبه (۱ مصاحبه) مربوط به آیت‌الله مهدوی کنی است که با توجه به درگذشت ایشان، محقق مجموعه دیدگاه‌های وی را از ماهنامه مسجد استخراج نموده و مورد تحلیل قرار داده است.

۳-۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

در این پژوهش جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون^{۳۱} استفاده شده است. روش تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و دستیابی به الگو در داده‌های کیفی است. این روش مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری از تحلیل‌های کیفی را فراهم می‌کند (Holloway & Todres, 2003). روش تحلیل مضمون شامل سه مرحله ذیل می‌باشد:

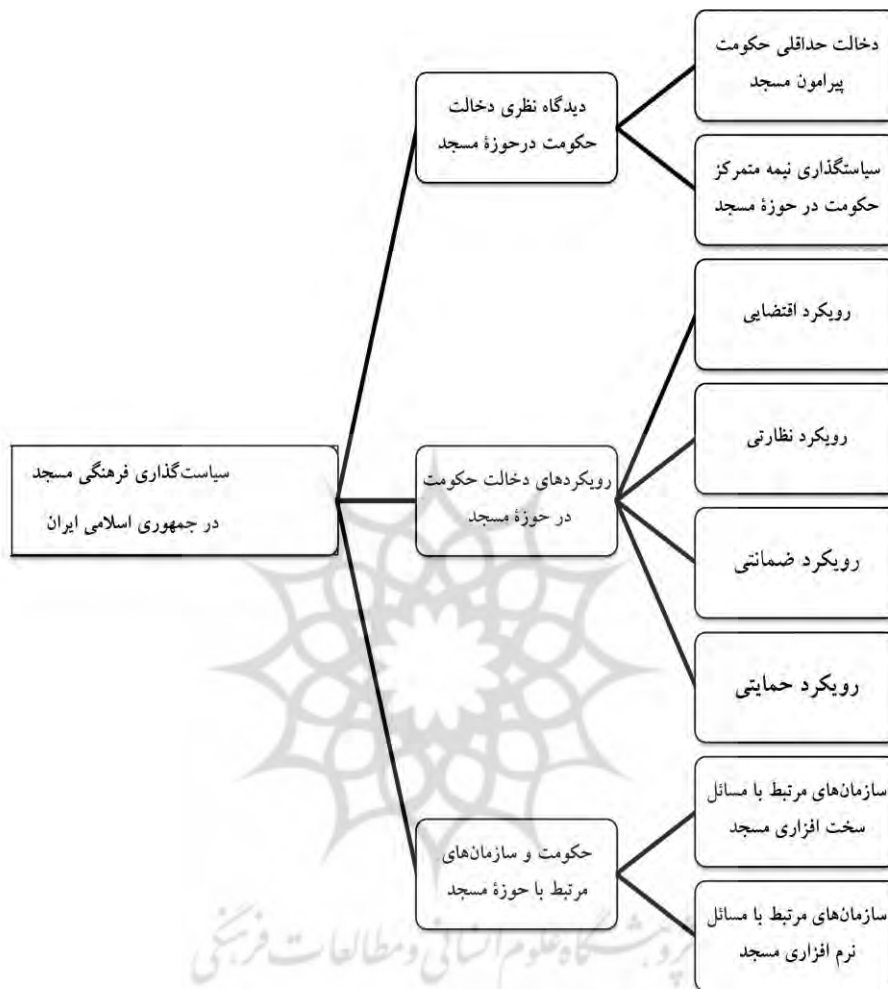
۱. تجزیه و توصیف متن (کدگذاری توصیفی)^{۳۲}
۲. تشریح و تفسیر متن (کدگذاری تفسیری)^{۳۳}
۳. ادغام و یکپارچه کردن متن (یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر)^{۳۴}
۴. یافته‌های پژوهش

بر اساس فرایند تحلیل مضمون، کدگذاری توصیفی با مطالعه خط به خط مصاحبه‌ها که قبلاً توسط محقق مکتوب شده بود صورت گرفت که بر این اساس مضامین توصیفی به بخش بخش مصاحبه‌ها نسبت داده شد. پس از کدگذاری توصیفی، با مقایسه مستمر و چندین باره کدهای توصیفی و با تجمیع آنها، کدهای تفسیری که مبین تفسیر چندین مضمون توصیفی در قالب مضمونی تفسیری بود تولید گردید. این

کدهای تفسیری، گاهی یکی از کدهای توصیفی بود که تعدادی کد توصیفی دیگر در ذیل آن قرار می‌گرفت و با جرح و تعدیل‌های تفسیری، جامع معانی کدهای زیرمجموعه خود می‌شد و یا کد تفسیری جدیدی بود که محقق برای تجمیع معانی چندین کد توصیفی تولید می‌کرد. با ادامه مقایسه و تحلیل مستمر مضامین تفسیری، در نهایت دیدگاه خبرگان پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران احصا شد که در آن «دیدگاه نظری دخالت حکومت در حوزه مسجد»، «رویکردهای دخالت حکومت در حوزه مسجد» و «حکومت و سازمان‌های فرهنگی مرتبط با حوزه مسجد» به‌عنوان مضامین فراگیر تبیین شدند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱- شبکه مضامین تولیدشده پیرامون دیدگاه خبرگان پیرامون سیاست گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران

در ادامه پس از ارائه شبکه مضامین و احصای دیدگاه خبرگان پیرامون سیاست‌گذاری مسجد در جمهوری اسلامی ایران -مستخرج از تحلیل مضمون مصاحبه‌های صورت گرفته- به تبیین و تشریح هر یک از مضامین پرداخته می‌شود.^{۳۵}

۳-۱. دیدگاه نظری دخالت حکومت در حوزه مسجد

پیرامون دخالت حکومت در حوزه مسجد از دیدگاه نظری می‌توان دو مضمون سازمان‌دهنده ذیل را لحاظ نمود:

۳-۱-۱. دخالت حداقلی حکومت پیرامون مسجد

در این راستا می‌توان این‌گونه بیان نمود که حاکم اسلامی بر مبنای نظریه ولایت فقیه امام خمینی و نیز دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای با اتکا به اختیاراتی که دارد می‌تواند به‌طور مستقیم یا با اعطای وکالت یا نمایندگی به افراد در چارچوب موازین شرعی در اداره و مدیریت مساجد مداخله نمایند اما «دخالت گسترده نظام اسلامی در مساجد برای مردمی که سال‌ها روحانیت شیعه و پایگاه‌های آن یعنی مساجد را مردمی دانسته و آن را بحق یک افتخار شمرده‌اند نه تنها لزومی ندارد بلکه مصلحت نیست» (م ۳۳) و نیز می‌توان این‌گونه بیان نمود که «مرجعیت یا به‌طور خاص ولی فقیه باید مسلط بر مسجد باشد اما واقعیت تاریخچه مسجد در جوامع شیعه این‌گونه نیست و مساجد مردمی بوده است»^{۳۶} (م ۱۰).

«البته من (آیت‌الله مهدوی کنی) با دولتی شدن مساجد و علما مخالفم. امام هم فرمودند که مساجد را وابسته به اوقاف نکنید. امام آینده نگری می‌کردند که مبدا این وابستگی‌ها سبب تضعیف علمای شیعه‌ای بشود که آن آزادمندی و استقلال را داشتند و همواره حق را می‌گفتند» (م ۳۴).

اما با توجه به پیوستگی مسجد و حاکمیت اسلامی و نیز گستردگی و وسعت مساجد در کشور این نهادهای دینی نمی‌تواند خارج از سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی توسط حکومت تصور شود. به همین خاطر ضروری است، حکومت در حوزه مساجد ورود نماید اما این دخالت و ورود نباید جنبه حداکثری به خود بگیرد بلکه

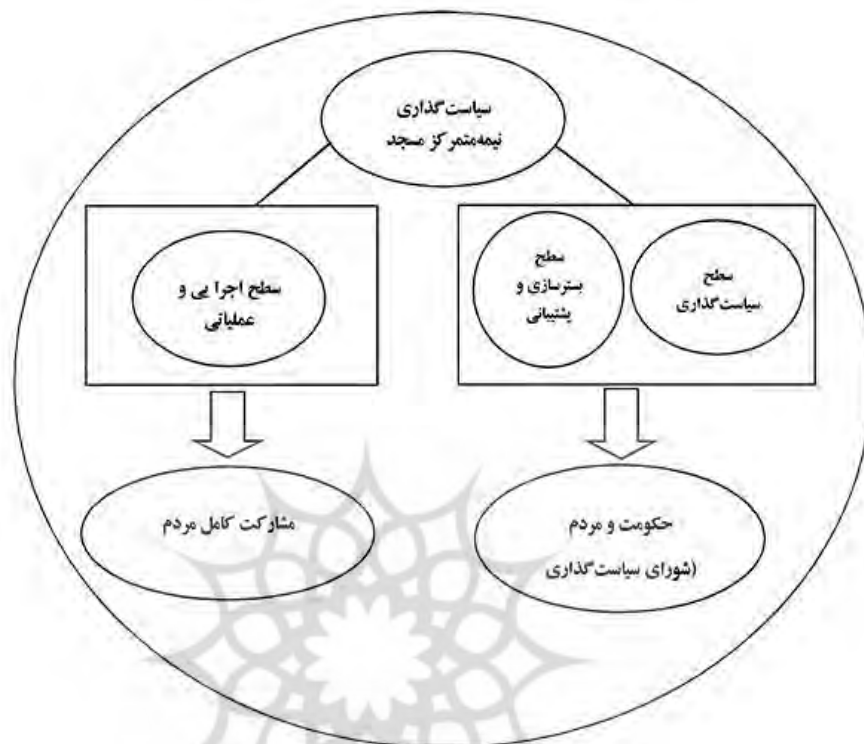
حکومت می‌بایست به حداقل‌های دخالت در زمینه مسجد بسنده نماید و به عبارت دیگر رویکرد حداقلی مداخله در حوزه مساجد داشته باشد و از دخالت حداکثری در امور مساجد اجتناب نماید.

۳-۱-۲. سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز حکومت در حوزه مسجد

بر اساس رویکرد مذکور^{۳۶} سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز حکومت در حوزه مسجد- سیاست‌گذاری و خطوط کلی مساجد ذیل یک سازمان، نهاد یا شورای سیاست‌گذاری به نام مسجد^{۳۷} ذیل ولی‌فقیه و رهبری صورت می‌پذیرد که بر این اساس سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی منسجم گردد و نیز وظایف و نقش‌های متنوع و متعدد دستگاه‌های فرهنگی مذکور-مرتبط با مساجد- مشخص شود.^{۳۸}

«پیشنهاد من (آیت‌الله مهدوی کنی) به حضور مقام معظم رهبری این است که باید یک مدیریت واحد، با سیستم واحد، برنامه واحد و پشتوانه مالی قوی، تحت نظارت ایشان به وجود آید. لذا اگر دیگران بخواهند کار کنند باید تحت نظارت این مدیریت باشد. ممکن است بعد از این، کارها تقسیم شود؛ اما اینکه هر کس برای خودش کاری را انجام دهد صحیح نیست. به نظر من کار به این ترتیب پیش نمی‌رود و بعد از چند سال دیگر ضرر می‌بینیم. بهتر است از همین حالا به فکر اصلاح باشیم» (م ۳۴).

اما بر اساس رویکرد مذکور- سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز مساجد- اداره و برنامه‌ریزی مساجد در سطح اجرایی و عملیاتی به صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام می‌شود. به عبارت دیگر این رویکرد قائل به مشارکت عموم مردم و عموم دستگاه‌های کشور در مدیریت مساجد می‌باشد. در این نگاه مردمی بودن مساجد و مشارکت دولت در توسعه مساجد کشور نباید در تضام و تعارض یکدیگر قرار گیرد بلکه دولت باید چنان در توسعه مساجد کشور مشارکت کند که مشارکت وی، باعث افزایش مشارکت مردم شود.



شکل ۲. سیاست گذاری نیمه‌متمرکز حکومت در حوزه مسجد

۲-۳. رویکردهای دخالت حکومت در حوزه مسجد

در ذیل به رویکردهای دخالت حکومت در حوزه مسجد پرداخته شده است؛ منظور از رویکرد دولت، طریقه و شیوه پرداختن به مسئله مسجد یا مورد توجه قرار دادن حوزه مسجد می‌باشد. به عبارت دیگر رویکرد دولت در حوزه مسجد به معنای طریقه و شیوه‌ای است که دولت به مسئله مسجد می‌پردازد و یا در امر مسجد ظهور و بروز می‌نماید.

۳-۲-۱. رویکرد حمایتی

از رویکردهای مهم در ارتباط با مداخله حکومت مرتبط با حوزه مسجد، رویکرد حمایتی است که در آن حکومت وظیفه پشتیبانی و حمایت از مساجد را بر عهده می‌گیرد. در این زمینه حکومت باید به صورت غیرمستقیم و هدفمند از سیاست‌های تشویقی و انگیزشی در جهت حمایت و مساعدت از مساجد اقدام نمایند. اهم اقدامات حکومت در راستای مساعدت و حمایت از مساجد به شرح ذیل می‌باشد:

۳-۲-۱-۱. مساعدت حکومت در زمینه پیش‌بینی و اختصاص زمین رایگان به مردم جهت

ساخت مساجد

با توجه به گران و کمیاب شدن زمین در شهرها و شهرک‌های مسکونی حکومت می‌بایست مساعدت لازم را در راستای پیش‌بینی و اختصاص رایگان زمین به مردم انجام دهد.

۳-۲-۱-۲. رایگان نمودن هزینه‌های آب، برق و گاز مساجد

از دیگر اقدامات حمایتی حکومت پیرامون مساجد این است که هزینه‌های جاری مساجد مانند هزینه‌های آب، برق و گاز مساجد و نیز حق انشعاب این موارد را رایگان نماید تا بخشی از دغدغه‌های مالی مردم از این طریق برطرف یابد.

۳-۲-۱-۳. اختصاص و تأمین بودجه برای مساجد

حکومت همچنین در راستای حل مشکلات مالی و مادی مسجد می‌بایست ردیف بودجه مستقل و ثابتی را برای این نهادهای دینی لحاظ نماید تا بر این مبنا بخشی از مشکلات مساجد برطرف گردد. به عبارت دیگر حکومت در راستای حل مشکلات و معضلات جامعه و نیز تأمین امنیت کشور باید برای مساجد هزینه کند و بودجه لازم را به آن‌ها اختصاص نماید.

۳-۲-۴. تأمین معیشت امامان جماعت و خدام

از دیگر اقدامات مهم حکومت در حیطة رویکرد حمایتی تأمین نظام معیشتی نیروی انسانی مساجد به‌ویژه امامان جماعت می‌باشد. حکومت می‌بایست مسائل مربوط به رفاه امامان جماعت شامل خانه‌عالم، مباحث مالی، مسئله بیمه و... را برطرف نماید. از دیگر اقدامات حکومت در حوزه امامان جماعت، تربیت و آموزش آن‌ها برای مدیریت مساجد می‌باشد تا بر این اساس خلأ کمبود ائمه جماعات در مساجد تا حد زیادی مرتفع گردد.

۳-۲-۵. مساعدت حکومت در زمینه طراحی و ساخت مساجد

یکی دیگر از اقدامات مهم حکومت مساعدت حکومت در طراحی مساجد است. در این زمینه حکومت می‌بایست در تدوین و طراحی نقشه‌های مساجد مطابق با معیارهای دینی، مردم و خیرین مسجدساز را مساعدت نماید. حکومت همچنین در راستای نهضت مسجدسازی و برطرف نمودن خلأ کمبود مسجد به ساخت و ساز مساجد پردازد و در این زمینه به خیرین مسجدساز و مردم کمک نماید و بخشی از هزینه‌های مسجد را تقبل نماید.

۳-۲-۶. مساعدت حکومت در تهیه آمار و سرانه دقیق مساجد

اقدام دیگر حکومت در راستای رویکرد حمایتی در حوزه مساجد تهیه آمار و سرانه دقیق مساجد می‌باشد. حکومت در زمینه مساجد می‌بایست تعداد مساجد مورد نیاز برای کل جامعه و کشور و سرانه آن را مشخص نماید.

۳-۲-۲. رویکرد ضمانتی

از دیگر رویکردهای مهم در ارتباط با مداخله حکومت مرتبط با حوزه مسجد، رویکرد ضمانتی می‌باشد. نقش ضمانتی حکومت را می‌توان از ابعاد ذیل نگریست:

۳-۲-۱. تصویب قوانین و مقررات توسط حکومت پیرامون مساجد

با توجه به قدرت قانون‌گذاری حکومت این وظیفه را می‌توان برای حکومت متصور نمود که حکومت با تدوین و تصویب قوانین و مقررات به اعتلا و ارتقای جایگاه حقوقی و قانونی مسجد در جمهوری اسلامی ایران بپردازد. در این راستا تلاش حکومت باید بر این باشد تا ضمن پر کردن خلأها و نقص‌های قانونی در حوزه مسجد با وضع قوانین و مقررات جدید به احقاق حقوق مسجد در کشور بپردازد و تلاش نماید با اختصاص این قوانینی به گسترش و احیای مساجد اقدام نماید.

۳-۲-۲. کاهش روند دیوان‌سالاری پیرامون مساجد

از دیگر اقدامات حکومت پیرامون مساجد کاهش روند دیوان‌سالاری و فرایندها و روندهای طولانی در مسائل مرتبط با بحث مسجد^۵ شامل ثبت مسجد، اخذ مجوز برای ساخت و... می‌باشد که در این زمینه حکومت باید شرایط را برای مردم به‌ویژه خیرین مسجدساز تسهیل نمایند. از دیگر اقدامات حکومت در زمینه کاهش روند دیوان‌سالاری تسهیل شرایط اخذ وام و نیز افتتاح حساب بانکی برای مساجد می‌باشد تا از این طریق مردم بتوانند مسائل مالی و مادی مساجد را مدیریت و اداره نمایند و به حل مشکلات مساجد بپردازند.

۳-۲-۳. لحاظ نمودن مالیات مردم به مساجد توسط حکومت (به‌مثابه مالیات حکومتی)

از جمله فعالیت‌های حکومت پیرامون مساجد این است که مبالغی که مردم به مساجد مساعدت می‌کنند را به‌عنوان مالیات حکومتی محسوب نمایند. به‌عبارت‌دیگر اگر مردم بخواهند مالیات خود را بپردازند اجازه داشته باشند که بخشی از آن را به مسجد اختصاص بدهند. این امر^۶ اختصاص بخشی از مالیات مردم به مساجد- باعث می‌شود تا قسمتی از مسائل و مشکلات مالی و مادی مساجد مرتفع گردد و باعث عمران و آبادانی این نهادهای دینی می‌شود اما این نکته را باید لحاظ نمود که از لحاظ دینی تاکید شده است که باید پاک‌ترین اموال خرج مسجد شود. لذا نمی‌توان با مالیات مردم یا از پول کسی که مال او شبهه‌ناک است خرج امورات مسجد نمود.

۳-۲-۳. رویکرد نظارتی

از دیگر رویکردهای حکومت مرتبط با مداخله در حوزه مساجد رویکرد نظارتی است. در این رویکرد نقش حکومت پیرامون مساجد در حد ناظر سیاست‌گذار تقلیل می‌یابد. مهم‌ترین نقش حکومت در راستای رویکرد نظارتی در مسائل نرم‌افزاری ظهور و بروز دارد.

۳-۲-۳-۱. نظارت حکومت در مسائل نرم‌افزاری مسجد

حکومت در مسائل نرم‌افزاری مساجد مانند تعیین امام جماعت، تعیین هیئت امناء و خدام، اختلافات درونی مسجد، مدیریت مساجد می‌بایست در حد یک ناظر عمل نماید چرا که در غیر این صورت مساجد دیگر به صورت مردمی اداره نمی‌شوند و باعث اختلال در اداره و مدیریت مساجد می‌گردد.

نظارت حکومت بر فعالیت‌ها و امکانات مساجد می‌تواند ذیل سازمان یا شورای جدید که بدان اشاره شد پیگیری شود تا با نظارت جدی حکومت مسئله تعطیلی مساجد مرتفع گردد و مساجد بتوانند به جایگاه واقعی خود در نظام اسلامی نائل گردند.^{۳۹}

۳-۲-۴. رویکرد اقتضایی

بر اساس این رویکرد شرایط نظام اسلامی و به تعبیر دیگر مقتضیات زمانی و مکانی در ورود و عدم ورود حکومت در حوزه مسجد حائز اهمیت است. در این زمینه باید اشاره نمود که برای دخالت نظام اسلامی در امور مساجد نباید فقط به مشروعیت این دخالت استناد کرد بلکه باید با ارزیابی‌های صحیح و لحاظ نمودن مصالح جامعه از نتایج مثبت کار مطمئن بود؛ به عبارت دیگر، مشروعیت دخالت حاکمیت و حاکم اسلامی در امور مساجد به معنای حتمیت آن دخالت نمی‌باشد بلکه هدایت جامعه اسلامی به سمت فلاح و رستگاری اقتضا می‌کند که ولی فقیه و نمایندگان وی در این جامعه برای دخالت در نهاد فرهنگی مسجد- یا به طور کلی در هر شأنی از شئون فرهنگی جامعه- فقط به این نکته بسنده نکنند که دخالتشان پشتوانه شرعی دارد بلکه در هر اقدام

سیاستی در حوزه مساجد- یا تمام امور فرهنگی- علاوه بر مراعات جنبه مشروعیت، باید آثار پیدا و نهان دخالت حاکمیت مورد ارزیابی‌های صحیح گردد و سپس درباره دخالت‌های صورت گرفته و نحوه و طریقه آن تصمیم مقتضی گرفته شود.

۳-۳. حکومت و سازمان‌های فرهنگی مرتبط با حوزه مسجد

در این زمینه می‌توان سازمان‌ها و ارگان‌های فرهنگی کشور را متناسب با مسائل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مسجد لحاظ نمود و جایگاه آن‌ها به شرح ذیل ترسیم کرد:

۳-۳-۱. سازمان‌های مرتبط با مسائل سخت‌افزاری مسجد

۳-۳-۱-۱. جایگاه سازمان‌های مرتبط با عمران مسجد

مسئولیت تهیه، تدوین و ارائه طرح‌ها و خدمات معماری و مهندسی مساجد بر عهده شخصیت‌های حقیقی و حقوقی است اما نظارت، کنترل و بررسی ضوابط مربوط به رعایت اصول و معیارها بر عهده وزارت مسکن، راه و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) در سطح کشور، شهرداری‌ها در سطح شهرها و دهیاری‌ها در روستاها با پشتیبانی و نظارت سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد.

مسئولیت تأمین پشتیبانی عمومی مساجد اعم از نظافت، فضای سبز، هزینه‌های آب، برق و گاز بر عهده شهرداری‌ها در شهرها و بر عهده دهیاری‌ها در روستاها می‌باشد.

۳-۳-۱-۲. جایگاه سازمان‌های مرتبط با پراکندگی مسجد

مسئولیت تهیه ضوابط لازم جهت جانمایی مساجد مورد نیاز در توسعه و گسترش شهرها و روستاها بر اساس نقشه آمایش مساجد کشور در افق ۲۰ ساله و با منظور داشتن جایگاه محوری مساجد در هر محله بر عهده وزارت مسکن، راه و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه، مرکز رسیدگی به امور مساجد می‌باشد که باید پس از تصویب شورای سیاست‌گذاری مسجد به تصویب مراجع قانونی برسد.

مسئولیت تأمین زیرساخت‌ها اعم از تأمین زمین و احداث مسجد در شهرها با مشارکت مردم و خیرین مسجدمساز بر عهده وزارت مسکن، راه و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) شهرداری و سازمان اوقاف و امور خیریه و در روستاها بر عهده بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و شهرداری و اداره اوقاف و امور خیریه است.

۳-۱-۳. جایگاه سازمان‌های مرتبط با مساجد چندمنظوره یا چندکارکردی

مسئولیت ایجاد، پشتیبانی، هماهنگی و نظارت بر پایگاه‌های مقاومت بسیج در مساجد بر عهده سازمان بسیج مستضعفین با هماهنگی امام جماعت می‌باشد
مسئولیت تأسیس، پشتیبانی، هماهنگی و نظارت بر فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد، ارائه خدمات فرهنگی - هنری شامل کتابخانه، نشریه و آموزش‌های هنری بر عهده ستاد عالی نظارت بر کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد در تعامل با امام جماعت مساجد می‌باشد.

مسئولیت ایجاد، پشتیبانی، هماهنگی و نظارت بر فعالیت تشکل‌های دینی مساجد اعم از هیئات، حسینیه‌ها و دارالقرآن بر عهده سازمان تبلیغات اسلامی با هماهنگی امام جماعت است.

۳-۱-۴. جایگاه سازمان‌های مرتبط با مسجد و وقف

سرپرست وقفیات مسجد - با لحاظ نمودن موقوفات دارای متولی و موقوفات بدون متولی - بر عهده سازمان اوقاف و امور خیریه است با لحاظ این شرط که موقوفات مساجد به هزینه‌های جاری خود مسجد اختصاص یابد.

۳-۲-۳. سازمان‌های مرتبط با مسائل نرم‌افزاری مسجد

۳-۲-۱. جایگاه سازمان‌های مرتبط با امامان جماعت مسجد

مسئولیت تأمین، آموزش و تربیت طلاب به‌عنوان امامان جماعت مساجد به عهده حوزه‌های علمیه می‌باشد. حوزه‌های علمیه هر شهر موظف به ارائه آموزش تخصصی و

تربیت طلاب و تأیید شرایط احراز آن‌ها به منظور تصدی جایگاه ائمه جماعت مساجد شهرها با مشارکت و انتخاب توسط مردم و هماهنگی با امام جمعه می‌باشند.

۳-۲-۲. جایگاه سازمان‌های مرتبط با هیئت امنا و خدام مسجد

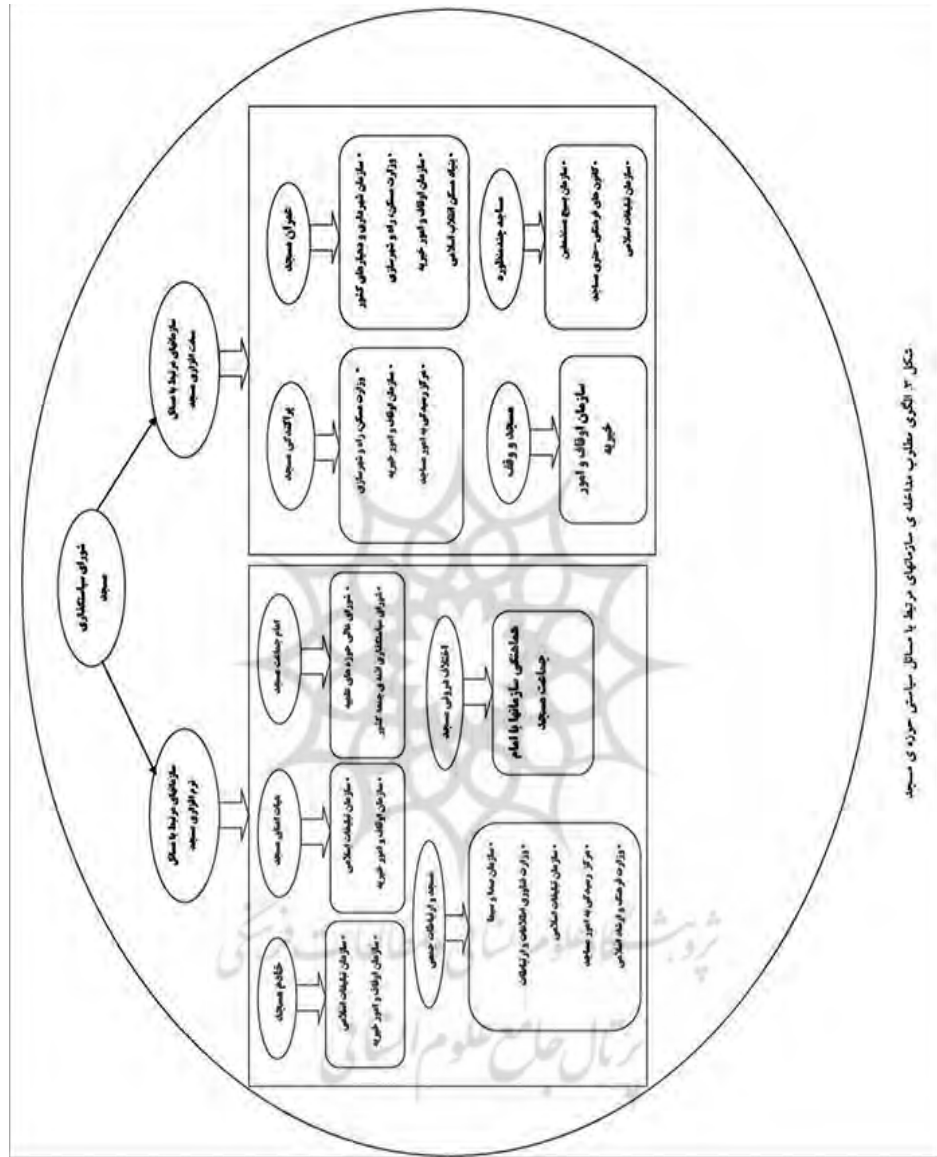
مسئولیت تأمین و انتخاب هیئت امنا و خدام بر عهده امام جماعت مسجد با مشورت اهالی محل صورت می‌گیرد. از آنجایی که امام جماعت مدیر اصلی هر مسجد محسوب می‌شود، مسئولیت انتخاب و انتصاب و عزل هیئت امنا و خدام را بر عهده می‌گیرد؛ اما آموزش نیروی انسانی مسجد شامل هیئت امنا و خدام بر عهده سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان اوقاف و امور خیریه می‌باشد.

۳-۲-۳. جایگاه سازمان‌های مرتبط با اختلافات درونی مسجد

مسئولیت رفع هرگونه اختلاف در مساجد (اعم از اختلافات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و...) بر عهده امام جماعت می‌باشد که مدیر طبیعی مسجد محسوب می‌گردد و باید تلاش نماید با هماهنگی سازمان‌های مرتبط با حوزه مسجد - که متولی نهادهای داخلی مسجد (شامل بسیج، هیئت، کانون فرهنگی و...) می‌باشند - به رفع همه اختلافات در مسجد بپردازد.

۳-۲-۴. جایگاه سازمان‌های مرتبط با مسجد و ارتباطات جمعی

مسئولیت ایجاد و توسعه درگاه (پورتال) و بانک جامع مساجد کشور در راستای ایجاد نظام اطلاع‌رسانی و شبکه‌سازی مساجد (IT) توسط سازمان تبلیغات اسلامی و با همکاری مرکز رسیدگی به امور مساجد، مرکز توسعه رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات صورت می‌گیرد. وزارت مزبور وظیفه تهیه زیرساخت‌های لازم جهت تقویت و بهبود شبکه‌سازی مساجد کشور را بر عهده دارد. صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز وظیفه دارد به معرفی مساجد موفق و الگو بپردازد و برنامه‌های مساجد کشور را در رسانه منعکس نماید به بیان دیگر صدا و سیما باید در خدمت مسجد (نه رقیب مسجد) باشد.



شکل ۳: الگوی مطلوب مداخله‌ی سازمانهای تربیت با مسائل سیاست‌سوزی مسجد.

جمع‌بندی

در این مقاله با بهره از تجربیات و دیدگاه‌های خبرگان- مسئولان و صاحب‌نظران در حیطه مسجد- جایگاه و نقش حکومت پیرامون حوزه مسجد در جمهوری اسلامی ایران احصا شد. به عبارت دیگر با استفاده از روش تحلیل مضمون طی ۳۴ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان مذکور در سه مرحله کدگذاری توصیفی، کدگذاری تفسیری و یکپارچه‌ساز، دیدگاه خبرگان پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج پژوهش نیز به شبکه مضامین مستخرج از دیدگاه خبرگان شامل «دیدگاه نظری دخالت حکومت در حوزه مسجد»، «رویکردهای دخالت حکومت در حوزه مسجد» و «حکومت و سازمان‌های فرهنگی مرتبط با حوزه مسجد» پرداخته است.

پیرامون «دیدگاه نظری دخالت حکومت در حوزه مسجد» دو مضمون «دخالت حداقلی حکومت پیرامون مسجد» و «سیاست‌گذاری نیمه متمرکز حکومت در حوزه مسجد» مورد بحث و بررسی قرار گرفت که در این حیطه به نظر می‌رسد باید سیاست‌گذاری و خطوط کلی مساجد ذیل یک سازمان، نهاد یا شورای سیاست‌گذاری به نام مسجد ذیل ولی فقیه و رهبری صورت پذیرد که بر این اساس سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی منسجم گردد و نیز وظایف و نقش‌های متنوع و متعدد دستگاه‌های فرهنگی مذکور -مرتبط با مساجد- مشخص شود؛ همچنین در همین راستا نیز باید اداره و برنامه‌ریزی مساجد در سطح اجرایی و عملیاتی به صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام شود. به عبارت دیگر این نگاه قائل به مشارکت عموم مردم و عموم دستگاه‌های کشور در مدیریت مساجد می‌باشد. پس مردمی بودن مساجد و مشارکت حکومت در توسعه مساجد کشور نباید در تزاخم و تعارض یکدیگر قرار گیرد بلکه حکومت باید چنان در توسعه مساجد کشور مشارکت کند که مشارکت وی، باعث افزایش مشارکت مردم شود.

در مورد «رویکردهای دخالت حکومت در حوزه مسجد» نتایج پژوهش حاکی از آن است که حکومت می‌بایست ترکیبی از رویکردهای حمایتی، ضمانتی، نظارتی و اقتضایی را مد نظر خود قرار دهد و بر اساس هر یک از رویکردهای مذکور اقداماتی را

در عرصه مساجد انجام دهد که شرح آن گذشت. همچنین در زمینه «حکومت و سازمان‌های فرهنگی مرتبط با حوزه مسجد» نیز می‌توان سازمان‌ها و ارگان‌های فرهنگی کشور را متناسب با مسائل سخت‌افزاری و نرم‌افزاری مسجد لحاظ نمود و جایگاه آن‌ها را ترسیم کرد که بر این اساس می‌بایست با توجه به نقش مردم در پاسخ به مسائل سیاستی مسجد (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) از سازمان‌های مرتبط با حوزه مسجد مساعدت گرفت که در مقاله بدان پرداخته شد.

یادداشت‌ها



-
1. Descriptive Coding
 2. Interpretive Coding
 3. Overarching Coding
 4. Public Policy
 5. Pierre Muller
 6. Culture
 7. Cultural Policy
 8. Government approach
 9. Market-oriented approach
 10. Bernard Miego
 11. Capitalization of Cultural Production
 12. Ted Gaelber
 13. David Osborne
 14. Communicative approach

۱۵. منظور از رویکرد دولت، طریقه و شیوه پرداختن به مسئله یا مورد توجه قرار دادن اقدامی می‌باشد. رویکرد دولت در حوزه فرهنگ به معنای طریقه و شیوه‌ای است که دولت به مسئله فرهنگ می‌پردازد و یا در امر فرهنگ ظهور و بروز می‌نماید.

16. Fertility Approach
17. totalitarian state
18. Preventative Approach
19. Conflictual Approach
20. Situational Approach
21. Supervisory Approach
22. Supportive Approach
23. Independent Religious Identity
24. Guarantee Approach
25. Null Approach

۲۶. منظور از سطوح دولت، عرصه فعالیت دولت در حوزه‌های مختلف می‌باشد. سطوح دولت در حوزه فرهنگ به معنای و جایگاهی است که دولت در امر فرهنگ به تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌پردازد.

27. Policy Making
28. Planing
29. Implementation
30. purposive sampling
31. Thematic Analysis
32. Descriptive Coding
33. Interpretive Coding
34. Overarching Coding

۳۵. پیرامون تشریح مضامین این نکته حائز اهمیت است که در رویه‌روی هر گزیده استنادات یک پراتز مانند (م ۱) وجود دارد که به معنای آن است که این گزیده مربوط به مصاحبه اول می‌باشد.

۳۶. «آنچه که مد نظر مقام معظم رهبری است و نیز امام خمینی (ره) مد نظرشان بوده و هست این مطلب می‌باشد که مساجد باید مردمی اداره شوند مانند مدل قدیمی و سنتی روحانیت و مردم در جمهوری اسلامی ایران» (م ۱۴).

۳۷. به نظر می‌رسد عنوان شورا در مقایسه با سازمان و یا نهاد نام مناسب و دقیق‌تری باشد؛ چرا که حداقل جنبه‌های بروکراتیک و اداری سازمان را ندارد.

۳۸. «بنابراین نیاز به یک طرح جامع است و تمام نهادها بنا بر سهم و نقش خودشان باید در این طرح دخالت داشته باشند. برای هر یک از نهادها تعیین نقش و تقسیم کار شود. یک دستگاه محور شود و بقیه دستگاه‌ها کمک کنند» (م ۳۰).

۳۹. «یکی از این اقدامات در جهت حل مسئله تعطیلی مساجد می‌تواند تعیین خدام مساجد جوان و تحصیل کرده در مساجد باشد تا به رونق مساجد کمک نماید» (م ۱۳). «اگر مساجد ما بخواهند از حالت خمودگی در بیایند و دیگر تعطیل نباشند باید بر روی خادمین مساجد سرمایه‌گذاری کنند و خادمین را آموزش دهند و سپس آنها را استخدام نمایند. بر روی خادمین نیز باید نظارت صورت گیرد در صورتی که بد اخلاقی نمودند و وظایف خود را به خوبی انجام ندادند دیگر افراد جایگزین آنها شوند» (م ۱۸).

کتابنامه

احمدی گرچی، حسینعلی (۱۳۸۳)، «تعیین چگونگی بررسی و آسیب‌شناسی دستگاه‌های فرهنگی» (طرح پژوهشی)، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

«اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۷۱)، تهران: انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

الوانی، سید مهدی و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۸)، *فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی. پیروزمند، علیرضا (۱۳۸۹)، *مبانی و الگوی مهندسی فرهنگی*، قم: فجر ولایت.

حسینی، سید احمد (۱۳۸۴)، *طرح ساماندهی فعالیت‌های فرهنگی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی فرهنگی*، تهران: کمیسیون فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی.

صالحی امیری، سید رضا و عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷)، *مبانی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی*، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

صدیق سروسستانی، رحمت‌الله و زائری، قاسم (۱۳۸۸)، *چالش‌های برنامه‌ریزی فرهنگی در ایران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

ضرابی، عبدالرضا، (۱۳۸۴)، «نقش و عملکرد مسجد در تربیت»، در کتاب: *کارکرد مسجد*، به کوشش دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی، هنری مساجد، تهران: نشر رسانش.

غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۸۶)، «جایگاه دولت در عرصه فرهنگ، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی. ج ۱ (مقالات بخش مفهوم‌شناسی و ابعاد مهندسی فرهنگی)». تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

گویان، جیم، (۱۳۸۸)، *بازاندیشی در سیاست فرهنگی*، ترجمه نعمت‌الله فاضلی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *روش تحقیق کیفی ضد روش ۱*، تهران: جامعه‌شناسان.

محمدی، مجید (۱۳۷۷)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی و اقتصاد فرهنگ در ایران امروز*، تهران: قطره.

مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۱)، «طراحی مدل اجرای سیاست فرهنگی مبتنی بر برنامه‌های توسعه کشور»، رساله دکتری مدیریت، دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.

ملک‌محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۵)، «سیاست‌گذاری دانش و روش»، *فصلنامه سیاست داخلی*، شماره ۱،

مولر، پیر (۱۳۷۸)، «سیاست‌گذاری عمومی»، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: دادگستر

وحید، مجید (۱۳۸۰)، «درآمدی بر سیاست‌گذاری عمومی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۵۲، (تابستان): ۱۸۵-۲۱۷.

وحید، مجید (۱۳۸۲)، *سیاست‌گذاری و فرهنگ در ایران امروز*، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.

همایون، محمدهادی و فروزان، حامد (۱۳۸۸)، «تیین رابطه مطلوب حکومت و فرهنگ در جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه دین و ارتباطات*، شماره ۳۵-۳۶. (پاییز و زمستان): ۶۳-۹۲.

Holloway, I. & Todres, L. (2003), "The Status of Method: Flexibility, Consistency and Coherence", *Qualitative Research*, Vol. 3, No. 3, Pp. 345-357.

Mowlana, Hamid (1996), *Global Communication in Transition: The End of Diversity*, Thousand Oaks: Sage Publication.

Wendy, H. & Jefferson, T. (2000), *Doing Qualitative Research Differently, Free Association, Narrative and the Interview Method*, London: Sage.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی